

بررسی آثار حس تعلق مکانی بر بازساخت فضایی-کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان نه، شهرستان نهبندان)

جواد بذرافشان- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
مهرشاد طولایی‌نژاد* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
هانیه اسکتی- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

تأیید نهایی: ۱۳۹۵/۱۱/۱۴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۹/۲۱

چکیده

دلبستگی به محل زندگی، حس تعلق به محل را در افراد ایجاد می‌کند و سبب می‌شود سرمایه‌های فکری و مالی آن‌ها به‌منظور ترقی محیط زندگی به‌کار گرفته شود. این امر به تغییر در فضای سکونتگاه‌ها می‌انجامد. هدف پژوهش حاضر، بررسی آثار تعلق مکانی بر بازساخت فضایی-کالبدی سکونتگاه‌های روستایی می‌باشد. جامعه آماری خانوارهای روستایی دهستان نه در شهرستان نهبندان به‌عنوان بوده است ($N=12291$). با کمک فرمول کوکران و به روش تصادفی ساده، ۳۴۴ سرپرست خانوار به‌عنوان نمونه مشخص شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه می‌باشد. با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای، میزان حس تعلق مکانی در نمونه آماری بررسی شد. سپس بررسی رابطه خطی میان حس تعلق مکانی و بازساخت فضایی-کالبدی با استفاده از تحلیل واریانس (ANOVA) صورت گرفت و درنهایت، آثار تعلق مکانی بر این بازساخت، با استفاده از مدل رگرسیون و تحلیل مسیر بررسی شد. براساس نتایج، سطح تعلق مکانی در میان خانوارها قابل قبول است. دلبستگی عاطفی به محل نسبت به سایر شاخص‌ها در سطح بالاتری قرار گرفته است. بررسی رابطه خطی حس تعلق مکانی و بازساخت فضایی-کالبدی، نشان‌دهنده رابطه‌ای منسجم و معنادار میان این دو متغیر است؛ به‌طوری‌که حس تعلق به مکان، کیفیت مسکن، اصلاح زیرساخت‌ها، اصلاح بافت و شبکه معابر روستایی را افزوده است؛ بنابراین، به‌منظور افزایش حس تعلق مکانی و ماندگاری جمعیت در نواحی روستایی، باید خدمات حمایتی بیشتری مانند توسعه فرصت‌های شغلی، توسعه کارآفرینی و غیره در اختیار روستاییان قرار بگیرد و محیطی مساعد برای زیست آن‌ها فراهم شود.

واژه‌های کلیدی: بازساخت فضایی-کالبدی، تعلق مکانی، توسعه روستایی، شهرستان نهبندان، ماندگاری جمعیت.

مقدمه^۱

در ادبیات بین‌المللی، علاقه به توسعه جوامع روستایی به سرعت در حال رشد است (ایسرمان و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۰۲) و این امر، راهبردی برای بهبود شرایط زندگی (میجرینک، ۲۰۰۷: ۴۷) و مهم‌ترین راه‌حل مشکلات روستاییان محسوب می‌شود (جان و ژینگ، ۲۰۱۱: ۱۵۳۰). تحول در مناطق روستایی در کشورهای در حال توسعه اهمیت ویژه‌ای دارد (ویستر و اسپور، ۲۰۱۱: ۳۰۲). همچنین توسعه این مناطق (کیفل و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۴) از اهداف اساسی برنامه‌های توسعه روستایی بیشتر کشورهای است (فیتزی‌امیر، ۲۰۱۵: ۱۱۸)، اما در آغاز قرن نوزدهم، با شروع روند رشد یکنواخت جمعیت و شهرنشینی در اواخر این قرن و اوایل قرن بیستم، بخش عمده‌ای از جمعیت بیشتر مناطق روستایی، این مناطق را به نفع شهرهای کوچک و بزرگ ترک کردند (وودز، ۱۳۹۰: ۱۲۳). یکی از دلایل مهم این مقوله کاهش حس تعلق به مکان در نواحی روستایی بود (صافیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۵). تعلق مکانی نشان‌دهنده رابطه عاطفی شخص به مناطق جغرافیایی است (لی و شن، ۲۰۱۳: ۷۸) که حسی عاطفی میان شخص و محل زندگی ایجاد می‌کند (یاکسل و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۷۵). به وسیله این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد شکل می‌گیرد (رهنما و رضوی، ۱۳۹۱: ۲۹) که می‌تواند انگیزه‌ای باشد تا فرد از محیط زندگی خود مراقبت کند، به مکان‌های معنادار بازگردد یا نزدیک آن باقی بماند (ترل و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۴۰) که نتیجه این امر پایداری جوامع است (فیگورا و روتارو، ۲۰۱۶: ۲)؛ از این رو یکی از پایه‌های اصلی توجه به پایداری سکونت و کاهش مهاجرت در برنامه‌ریزی و توسعه روستایی، تعلق خاطر روستاییان به محل زیست خود است (فلاح، ۱۳۸۵: ۱). شاید احساس دلبستگی هر شخص به زادگاه و محل زندگی خود (گلکار، ۱۳۸۰: ۵۳) آثار چشمگیری در جوامع روستایی داشته باشد (عناستانی، ۱۳۸۸: ۱۱۷) و به شکل‌گیری محیط‌های باکیفیت در این جوامع بینجامد (گوستاوسون، ۲۰۰۱: ۵-۱۶). از سوی دیگر، با توجه به قدمت بیشتر روستاها، بافت آن‌ها معمولاً قدیمی و متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری گذشته است. در نتیجه با زندگی امروزی هماهنگ نیست (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۶۱) و استانداردهای ایمنی لازم را ندارد؛ بنابراین، همراه نبودن بسیاری از بافت‌های قدیمی با الزامات زندگی جدید، موجب کاهش کیفیت زندگی و دلبستگی به مکان در ساکنان این نواحی شده است (شایان، ۱۳۸۹: ۱۸).

دلبستگی به مکان و احساس تعلق به آن، افراد را به احیای همه‌جانبه محیط‌های خانگی و محلی خود تشویق می‌کند (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰: ۳)؛ بنابراین، توجه به تعلق مکانی و نقش آن در بازساخت فضایی-کالبدی سکونتگاه‌های روستایی ضروری است. در دهستان نه شهرستان نهبندان، روستاهای زیادی با بافت کشاورزی و دامداری وجود دارد که یکی از مشکلات آن‌ها نابسامانی وضع کالبدی و کیفیت نامناسب مسکن است، اما خانوارهایی که تعلق خاطر بیشتری به محل زندگی خود داشتند، به ساخت‌وسازها در این مناطق اقدام کردند و فضای کالبدی-محیطی روستا را تغییر دادند؛ بنابراین می‌توان گفت توجه به بعد کالبد و مسکن، و بعد روانی مناطق روستایی، امری ضروری است تا رضایتمندی روستاییان را به منظور توسعه روستایی افزایش دهد؛ زیرا روستاها رکن اصلی ثبات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی منطقه هستند و رسیدگی به معضلات آن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. برای رسیدن به چنین تعادلی به راهکارهایی مناسب در زمینه‌های مختلف نیازمندیم.

با مرور مطالعات مرتبط در این زمینه درمی‌یابیم که تاکنون پژوهشی داخلی و خارجی در زمینه بررسی و ارزیابی آثار حس تعلق مکانی بر بازساخت فضایی-کالبدی سکونتگاه‌های روستایی صورت نگرفته است و منابع موجود با متغیرهای دیگر ارتباط دارد. برخی مطالعات نیز تنها در سطح مروری و نظری انجام شده است. در این میان، برخی پژوهشگران به بررسی آثار و پیامدهای تعلق مکانی بر متغیرهای دیگر پرداختند؛ برای مثال، رهنما و رضوی (۱۳۹۱) تأثیر حس تعلق

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد هانیه اسکنی است.

مکانی را بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محله‌های شهر مشهد بررسی کردند. دویران و کریمی‌نژاد (۱۳۹۱) به بررسی هویت و حس تعلق مکانی در فضاهای عمومی جدیدالاحداث شهری بوستان نهج‌البلاغه تهران پرداختند. زنگنه و حسین‌آبادی (۱۳۹۲) تعلق مکانی و عوامل مؤثر بر آن را در سکونتگاه‌های غیررسمی در شرق کال عیدگاه سبزوار ارزیابی کردند. احمدی و مهدوی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی در روستاهای درحال توسعه شهرستان زرنديه پرداختند. حیدری و همکاران (۱۳۹۳) بعد کالبدی حس تعلق به مکان را در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی تحلیل کردند. هرناندز و همکاران (۲۰۱۰) نقش هویت مکانی و دلبستگی در حفاظت از محیط‌زیست را مطالعه کردند. رامکینسون و همکاران (۲۰۱۲) نقش دلبستگی به محل، همچنین رفتار زیست‌محیطی حرفه‌ای را در پارک‌های ملی به‌عنوان چارچوبی مفهومی برای توسعه بررسی کردند. زوارز و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی نقش متمایل تغییرات و دلبستگی مکانی به ثبات در انعطاف‌پذیری جامعه روستایی در جنوب غرب اسکاتلند پرداختند. آنتون و لورزنز (۲۰۱۶) رابطه میان دلبستگی مکان، تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده و پاسخ ساکنان به تغییر محل را تحلیل کردند. هینوجوسا و همکاران (۲۰۱۶) دلبستگی مکانی را به‌عنوان عامل ثبات کشاورزی در جنوب رشته‌کوه‌های آلپ فرانسه ارزیابی کردند. موس و ماجت (۲۰۱۷) به بررسی احساس غربت و تعلق مکانی مهاجران خارج از مناطق روستایی در قرن ۱۹ و ۲۱ پرداختند. پنگ و همکاران (۲۰۱۷) رابطه و تعامل میان ادراک از خطرات و حس تعلق مکانی را در روستاهای مناطق کوهستانی مستعد فاجعه در چین بررسی کردند.

با توجه به آنچه بیان شد، در پژوهش حاضر به‌منظور مقایسه مباحث نظری و اهداف پژوهش با واقعیت‌های جامعه روستایی دهستان نه، آثار حس تعلق مکانی بر بازساخت فضایی-کالبدی روستاهای این منطقه بررسی، و به پرسش‌های زیر پاسخ داده شد:

آیا خانوارهای روستایی منطقه مورد مطالعه تعلق خاطری به محل زیست خود دارند؟

حس تعلق مکانی چه تأثیری بر بازساخت فضایی-کالبدی سکونتگاه‌های روستاهای منطقه دارد؟

مبانی نظری

یکی از پایه‌های اصلی توجه به پایداری (آنتون و لورزنز، ۲۰۱۶: ۱۴۶) سکونت و کاهش مهاجرت در برنامه‌ریزی و توسعه روستایی این است که ساکنان این مناطق (فلاح، ۱۳۸۴: ۱) به محل زیست خود تعلق خاطر داشته باشند (زوارز و همکاران، ۲۰۱۶: ۳). تعلق مکانی به جنبه ذهنی رابطه میان انسان و مکان اشاره دارد (ال‌لین و مکرچر، ۲۰۱۵: ۳۶۱) و تبیین می‌کند که چگونه مکان به هویت فرد کمک می‌کند (پتتون، ۲۰۰۳: ۸). این مقوله بیشتر به‌جای ترکیباتی مانند «هویت مکانی» و «حس مکان» به‌کار می‌رود (ماجین و همکاران، ۲۰۱۶: ۶۷۸) و نشان‌دهنده رابطه عاطفی شخص با مناطق جغرافیایی است (لی و شن، ۲۰۱۳: ۷۸). این ارتباط عاطفی در روان‌شناسی، دلبستگی به مکان یا تعلق به آن نام دارد (رام^۱ و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۱۱) که نوعی احساس اعتماد و امنیت را به‌وجود می‌آورد (تاسی، ۲۰۱۲: ۱۴۰) و از عوامل اجتماعی، شخصی و زیست‌محیطی تأثیر می‌گیرد (زوارز و همکاران، ۲۰۱۶: ۲). تعلق مکانی مفهومی چندوجهی است که از چهار جزء تشکیل شده است (رام و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۱۱). اولین جزء هویت مکانی است که نشان می‌دهد شخص با توجه به محلی خاص یا ارزش سمبولیک آن شناسایی می‌شود (رامکینسون، ۲۰۱۲: ۲۵۹). ارزش فوق به شکل‌گیری هویت مکانی می‌انجامد (رهنما و رضوی، ۱۳۹۱: ۲۹). جزء دوم وابستگی به محل است؛ یعنی وابستگی شخص از نظر عملکردی به محلی خاص چه میزان است (یاکسل و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۷۵). این امر تنها به جغرافیای محل اقامت محدود نمی‌شود و در بیشتر

موارد، بخشی از شالوده هویت افراد به‌شمار می‌آید (کمپبل، ۲۰۰۱: ۷). جزء سوم پیوند عاطفی است که احساس قوی شخص به هدف یا عاملی را نشان می‌دهد (یاکسل و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۷۷). در این جزء، پیوندهای عاطفی تجربه‌شده افراد به‌ویژه در محیط‌های زندگی از سطوح ملی، منطقه‌ای یا شهری تا مقیاس فردی در محله و خانه قابل مشاهده است. این مفهوم برای توصیف و تشریح تمایزات یا خصوصیات منحصربه‌فرد محل‌ها و نواحی خاص استفاده می‌شود که ریشه آن در تاریخ ویژه یا وضعیت محیطی منطقه است (احمدی و مهدوی، ۱۳۹۳: ۸۳۳). جزء چهارم پیوند اجتماعی است که به‌طور مستقیم به جنبه‌های فضایی ارتباط ندارد، بلکه به معنی روابط اجتماعی با مکانی خاص است (رام و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۱۱) که مؤلفه‌های اصلی حیات اجتماعی و فرهنگی را انعکاس می‌دهد (سرمدت و متوسلی، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

باید توجه داشت که جنبه‌های مختلف تعلق مکانی ارتباط چشمگیری با یکدیگر دارند (پنگ و همکاران، ۲۰۱۷: ۷۷۹). در مجموع، این پیوندهای احساسی شناخت و رفتار میان انسان و مکان زندگی، مبنای ادراک و رابطه او با مکان است (سرمدت و متوسلی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). شناخت و رفتار به چگونگی رفتار فرد در زمان اشاره دارد که متأثر از محیط تجربه‌شده و تجربه خود فرد در گذشته است. این حس عاملی به‌شمار می‌آید که فضا را به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص تبدیل می‌کند.

امروزه مقوله حس مکان، پلی میان زیرشاخه‌های رشته‌هایی مانند جغرافیای اجتماعی، فرهنگی و رفتاری محسوب می‌شود (فوت و آزیراهو^۱، ۲۰۰۹: ۹۶). این مقوله از نظریه‌ها و رویکردهای متفاوتی گرفته شده است که همگی در جغرافیای رفتاری ریشه دارند (رام و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۱۲). جغرافیای رفتاری از جمله موضوعات مهم در مباحث جغرافیای انسانی است که ارتباطی تنگاتنگ با روان‌شناسی محیطی و بنیان‌های فلسفی مانند رفتارگرایی دارد (فرهاد، ۱۳۸۸: ۷۱). بررسی ارتباط میان حس تعلق مکانی و تغییر فضای پیرامون، نشان‌دهنده رویکردها و نظریه‌های گوناگونی است که در پژوهش حاضر با توجه به موضوع مورد نظر، در قالب سه نظریه بیان شده است.

رویکرد نخست، تجربه‌گرایی به حس تعلق است. در علم تجربه‌گراها، همه داده‌ها از مشاهده مستقیم جهان واقعی، دلایل و شواهد تجربه به‌دست می‌آید. تنها منبع شناخت و دانش ما نیز تجربه است. در این دیدگاه، همه پدیده‌های جغرافیایی باید با مشاهده مستقیم، تجربه و آزمایش بررسی شوند (شکوئی، ۱۳۸۶: ۱۲۲). بیشتر تجربه‌گراها عمدتاً به بررسی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری این حس پرداخته‌اند. برخی پژوهشگران نیز بر نقش محیط کالبدی در شکل‌گیری حس تعلق تأکید کرده‌اند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۷). از دیدگاه دلبستگی مکانی متمایل به تجربه‌گرا، دلتنگی و ترس ازدست‌دادن مکان سبب تغییر ابعاد مکان می‌شود. این گرایش به رفتار، انعطاف‌پذیری جامعه را افزایش می‌دهد. براساس این رویکرد، ساکنان دائمی مکان با توجه به احساسات خود به مکان (برعکس مهاجران) بیشتر با آن سازگار می‌شوند و آن را تغییر می‌دهند (زوارز و همکاران، ۲۰۱۶: ۲). در این دیدگاه، حس تعلق مکان از جمله نیازهای اساسی انسان به‌شمار می‌آید که در هرم سلسله‌مراتب نیازهای مازلو بر آن تأکید شده است (حیدری، مطلبی و تاجی، ۱۳۹۳: ۷۹). با توجه به این رویکرد، فضای محیطی به کمک احساسات فرد به مکان تغییر می‌یابد.

دومین رویکرد و نظریه، پدیدارشناسی است که براساس آن، مکان، جا یا قسمتی از فضا است که به‌دلیل عوامل موجود در آن صاحب هویتی خاص می‌شود (افشارنادری، ۱۳۷۸: ۴). مکان محتوا دارد، اما فضا نوعی خلأ است. مکان آسان‌تر از فضا مرزپذیر می‌شود و قابل‌تحدید است. درحالی‌که فضا بی‌مرکز است و به نامتناهی بودن گرایش دارد (سرمدت، ۱۳۸۹: ۱۳۵). هر شیئی که در مکان قرار دارد، نیازمند فضا است. در این میان، رابطه متقابل و عکس‌العمل میان سه عامل رفتار انسانی، مفاهیم و مشخصات فیزیکی سبب تغییر مکان می‌شود (افشارنادری، ۱۳۷۸: ۴). از نظر رلف^۲ مکان در کیفیت

1. Foote and Azaryahu

2. Relf

بی‌همتای خود می‌تواند مقاصد، تجربه‌ها و رفتارهای انسان را در فضا منظم و متمرکز کند. او مکان و فضا را در دیالکتیکی پویا تصور می‌کند که سازنده تجربه‌های انسان از محیط است (سیمون، ۲۰۰۸: ۴۵). از دیدگاه پدیدارشناسان، حس مکان یعنی مرتبط شدن با مکان به وسیله درک نمادها و فعالیت‌های روزمره. این حس ممکن است در مکان زندگی فردی شکل بگیرد و با گذر زمان عمق و گسترش یابد (رلف، ۱۹۷۶: ۳۲).

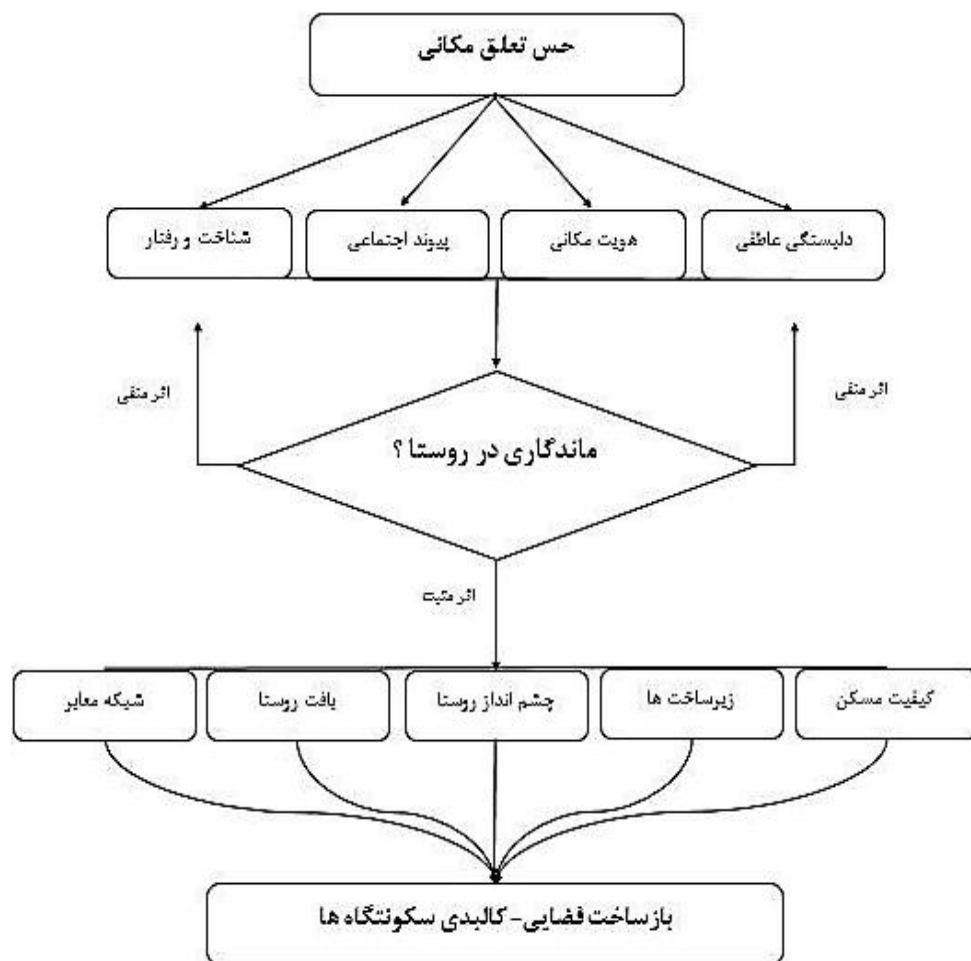
ضروری است بدانیم ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی تأثیرگذار است (کانتر، ۱۹۷۱: ۱۷). به کمک پدیدارشناسی می‌توان نسبت حقیقی آدمی با مکان را به‌عنوان زیستگاه او، آن‌گونه که متناسب با نحوه هستی خاص اوست، آشکار کرد (صافیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۶). در این نظریه، تغییر در مکان با تجربه‌های حسی انسان صورت می‌گیرد.

رویکرد سوم برگرفته از روان‌شناسی است و از تأثیرگذارترین نظریه‌های مربوط به بررسی احساس شخصیتی هر فرد نسبت به مکان زندگی به‌شمار می‌آید (گروس و براون، ۲۰۰۸: ۱۱۴۶). همچنین یکی از مفاهیم مهم در جغرافیای انسانی معاصر است که طی سی سال گذشته، جایگاه و نقش مهمی در بحث‌های جغرافیای انسانی داشته است. ریشه این مفهوم در جغرافیای آنگلو-آمریکایی است، اما به تدریج به صورت گسترده‌ای آثار بین‌المللی و میان‌رشته‌ای آن آشکار شده است (فوت و آزیراهو، ۲۰۰۹: ۹۶). براساس این نظریه، مبنای تمایل افراد به اعتماد یا بی‌اعتمادی به دیگران، تجربه اولیه دوران کودکی آن‌ها در مکان خود است؛ از این رو شاخص‌های تعلق مکانی به‌عنوان مقدمه رفتار و نگرش فرد، یا به‌منزله میانجی، نقش اصلی را در تغییر محیط دارند (گروس و براون، ۲۰۰۸: ۱۱۴۶). در این نظریه، تمایل افراد به اعتماد یا بی‌اعتمادی به هم‌محله‌ای‌های خود، رفتار و نگرش او را به این مکان تغییر می‌دهد.

دلبستگی هر شخص به زادگاه و محل زندگی خود (گلکار، ۱۳۸۰: ۵۳) عاملی مهم در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی کاربران و محیط زندگی است و به خلق محیط‌های باکیفیت در مناطق روستایی می‌انجامد (موس و ماجت، ۲۰۱۷: ۹۷). این حس می‌تواند زمینه مساعدی برای دموکراسی مشارکتی باشد (هرناندز، ۲۰۱۰: ۲۸۳)، اجرای برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را در اجتماع محلی با توفیق چشمگیری همراه کند و کیفیت زندگی را بهبود بخشد (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۲۹). همچنین می‌تواند فرصت‌های کسب درآمد، توسعه تأسیسات زیرساختی و... را در روستاها افزایش دهد (عنابستانی، ۱۳۸۸: ۱۱۷). حس تعلق مکانی در افزایش و مناسب کردن مکان‌ها، نزدیک شدن به آن‌ها و هم‌بستگی مؤثر است. این حس، دریافت ویژگی‌های محیطی را برای پیش‌بینی و آگاهی از اندازه و اعتبار مکان‌ها و افزایش قدرت و اهمیت هر مکان و تغییرات در آن میسر می‌کند (گلکار، ۱۳۸۰: ۵۳). تأکید همیشگی جامعه‌شناسان، به‌ویژه انسان‌شناسان بر این نکته است که مکان، محل و سرزمین برای افراد بسیار اهمیت دارد (راتسلیف و کورپلا، ۲۰۱۶: ۱۲۳). حس تعلق به مکان در درجه نخست به معنای خاص بودن و تمایز داشتن، ثابت و پایدار ماندن (تداوم داشتن) و متعلق بودن به جمع است (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۳۳۰). با این حال پژوهشگران دیگری بر نقش عناصر کالبدی به‌عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری حس تعلق مکان تأکید کرده‌اند و ضرورت توجه به ابعاد کالبدی را در فرایند حس تعلق ضروری دانسته‌اند. براین‌اساس، عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری حس تعلق به مکان را می‌توان به دو دسته کلی تعلق اجتماعی و تعلق کالبدی تقسیم کرد (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۲). از سوی دیگر، توجه به بعد کالبدی مکان برگرفته از عناصر و اجزای کالبدی مکان به‌عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸)؛ زیرا شکل‌گیری فضای کالبدی از اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه متأثر است (میرمقندائی، ۱۳۸۸: ۳۸).

رویکرد فضایی-کالبدی از رویکردهای مهم در برنامه‌ریزی توسعه روستایی است (رضوانی، ۱۳۹۰: ۹۷). دلبستگی به

مکان و احساس تعلق به آن، این انگیزه را در افراد ایجاد می‌کند که به نوسازی همه‌جانبه محیط‌های خانگی و محلی خود بپردازند (امیرکافی و فتاحی، ۱۳۹۰: ۳) تا ارتباط انسان‌ها با محیط طبیعی پیرامون خود و محل سکونتشان برقرار شود (بهرام‌پور و مدیری، ۱۳۹۴: ۸۷)؛ بنابراین، دلبستگی به روستای محل زندگی، حس تعلق به آن را به‌وجود می‌آورد و سبب می‌شود سرمایه‌های فکری و مالی افراد برای پیشرفت محیط زندگی آن‌ها به‌کار گرفته شود. به‌دنبال این امر، فضای سکونتگاه‌های روستایی، کیفیت مسکن، زیرساخت‌ها، چشم‌انداز روستا، بافت روستا و شبکه معابر در نواحی روستایی تغییر می‌کند.

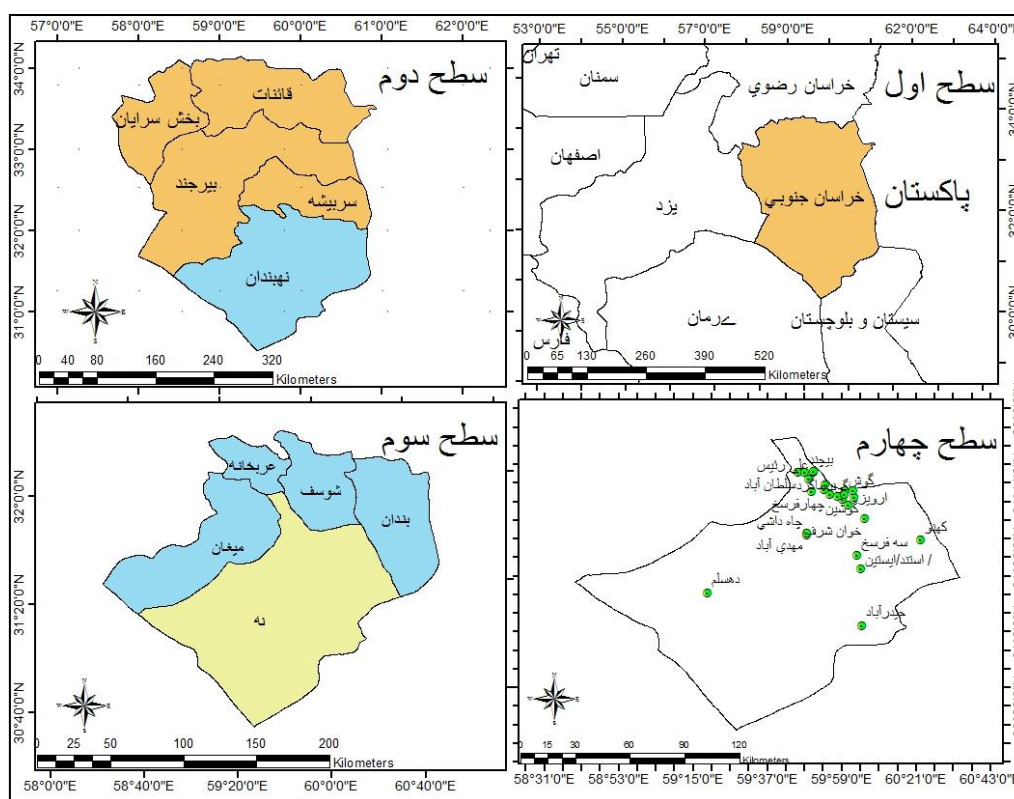


شکل ۱. مدل مفهومی و ابعاد تأثیرگذار تعلق مکانی در بازساخت فضایی-کالبدی

منبع: نگارندگان

روش پژوهش

روستاهای مورد مطالعه، در محدوده سیاسی دهستان نه از توابع شهرستان نهبندان در استان خراسان جنوبی هستند. این شهرستان در جنوب استان قرار دارد که از شرق به افغانستان با مرزی حدود ۶۰ کیلومتر، از شمال به شهرستان سربیشه، از غرب به شهرستان بیرجند، از جنوب غربی به استان کرمان و از جنوب شرقی به استان سیستان و بلوچستان محدود می‌شود. براساس سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت شهری این منطقه ۲۱،۸۳۷ نفر و جمعیت روستایی آن ۳۵،۳۷۶ نفر بوده است. این مکان دارای ۲ بخش شوسف و مرکزی است. جمعیت روستایی بخش مرکزی محدوده مورد مطالعه این پژوهش براساس سرشماری فوق، ۱۲،۲۹۱ نفر (۳۳۵۷ خانوار) بوده است. همچنین این منطقه ۳۴ روستای دارای سکنه دارد که در این پژوهش ۳۴۴ سرپرست خانوار (۲۴ روستا) به‌عنوان نمونه انتخاب شدند (شکل ۲).



شکل ۲. نقشه موقعیت دهستان نه در شهرستان نهبندان و استان خراسان جنوبی
منبع: نگارندگان

پژوهش حاضر کاربردی و توصیفی-تحلیلی است که اطلاعات آن به دو روش «اسنادی» و «میدانی» جمع‌آوری شده است. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش، پرسشنامه (ساختاریافته و بدون ساختار) است و جامعه آماری آن را سرپرستان خانوارهای روستاهای دهستان نه در بخش مرکزی شهرستان نهبندان تشکیل می‌دهند ($N=12291$). برای این منظور، ۳۴۴ سرپرست خانوار با استفاده از فرمول کوکران و به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شدند (۲۴ روستا). اطلاعات این پژوهش در مرحله اول با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای تجزیه و تحلیل، و میزان حس تعلق مکانی در میان نمونه آماری بررسی شد. در مرحله بعد، به منظور بررسی رابطه خطی میان حس تعلق مکانی به عنوان متغیر مستقل و بازساخت فضایی-کالبدی به عنوان متغیر وابسته، تحلیل واریانس (ANOVA) به کار رفت. در پایان نیز از رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر استفاده شد تا تأثیر حس تعلق مکانی بر اساس شاخص‌های دل‌بستگی عاطفی، هویت مکانی، پیوند اجتماعی و شناخت و رفتار بر بازساخت فضایی-کالبدی مشخص شود. در جدول ۱، ویژگی‌های جمعیتی روستاهای نمونه آمده است.

روایی پرسشنامه با استفاده از روایی محتوا توسط متخصصان موضوع مورد مطالعه سنجیده و تأیید شد. به منظور سنجش پایایی، از نمونه اولیه شامل ۳۵ نفر پیش‌آزمون گرفته شد و میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ^۱ محاسبه شد. با توجه به میزان کل ۰/۸۵ که بالاتر از ۰/۷۰ است، می‌توان گفت ابزار سنجش پایایی مطلوبی دارد (جدول ۲).

جدول ۱. ویژگی‌های روستاهای مورد مطالعه

ردیف	روستا	خانوار	نمونه	ردیف	روستا	خانوار	نمونه
۱	ابراهیم‌آباد	۳۰	۳	۱۳	دهسلم	۹۹	۱۰
۲	آرویز	۸۵	۹	۱۴	ساگرد	۴۲	۵
۳	استند	۵۶	۶	۱۵	سلطان‌آباد	۳۴	۴
۴	استون‌اند	۴۷	۵	۱۶	سه‌فرسخ	۳۴	۴
۵	اسدآباد	۲۳۲	۲۵	۱۷	سیاه‌خونیک	۳۸	۴
۶	بیچند	۲۶۶	۲۸	۱۸	قدمگاه	۶۴	۷
۷	علی‌رئیس	۶۰	۶	۱۹	کلاته سیدعلی	۱۰۲	۱۱
۸	چاه‌داشی	۶۳۹	۶۸	۲۰	کهنو	۵۵	۶
۹	چهارفرسخ	۲۶۷	۲۸	۲۱	گوش	۳۲	۳
۱۰	حیدرآباد	۸۳	۹	۲۲	گوشین	۳۱	۳
۱۱	خوانشرف	۶۳۴	۶۷	۲۳	گوند	۱۶۷	۱۸
۱۲	خونیک پایین	۹۸	۱۰	۲۴	مهدی‌آباد	۵۱	۵
	مجموع	۲۴۹۷	۲۶۴		مجموع	۷۴۹	۸۰

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵؛ نگارندگان

جدول ۲. میزان آلفای هریک از متغیرهای پژوهش

متغیر	آلفای کرونباخ (درصد)
گوبه‌های تعلق مکانی	۰/۸۱
گوبه‌های بازساخت فضایی-کالبدی	۰/۸۹
پایایی کل	۰/۸۵

منبع: نگارندگان

با توجه به مبانی نظری و مطالعات داخلی و خارجی می‌توان متغیرها و شاخص‌های جدول ۳ را برای این پژوهش به‌کار گرفت.

بحث و یافته‌ها

براساس پرسشنامه‌های توزیع شده میان سرپرستان خانوارهای روستاهای نمونه، بیشترین سن پاسخ‌دهندگان ۳۰ تا ۳۹ است که ۳۷/۵ درصد از کل جمعیت هدف (یا نمونه) را شامل می‌شوند. همچنین تحصیلات ۴۸/۸ درصد پاسخگویان دیپلم و بالاتر است. از نظر اشتغال نیز ۵۱/۷ درصد نمونه شغل آزاد دارند. افزون‌براین، ۸۴/۶ درصد پاسخگویان مرد، و ۹۱/۳ درصد متأهل هستند. در جدول ۴، توصیف فراوانی جمعیت مورد مطالعه آمده است.

میزان حس تعلق مکانی در میان خانوارهای منطقه مورد مطالعه در ابعاد چهارگانه دلبستگی عاطفی، هویت مکانی، پیوند اجتماعی و شناخت و رفتار با آزمون t تک‌نمونه‌ای بررسی شد. با توجه به یافته‌ها و با احتساب دامنه طیفی که بین ۱ تا ۵ قرار دارد و براساس طیف لیکرت در نوسان است، این میزان برای همه ابعاد بیشتر از عدد مطلوبیت ۳ ارزیابی شده است و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار قرار دارد. همچنین تحلیل میانگین عددی این ابعاد در محدوده مورد مطالعه نشان‌دهنده تعلق مکانی زیاد در تمام ابعاد مورد نظر پژوهش است. براساس یافته‌ها، سطح بعد دلبستگی عاطفی با

میانگین ۴/۰۷ از سایر ابعاد بالاتر است. پیوند اجتماعی با میانگین ۴/۰۶، هویت مکانی با میانگین ۳/۷۰ و شناخت و رفتار با میانگین ۳/۵۸ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. آثار ابعاد چهارگانه تعلق مکانی در میان خانوارها، به افزایش ماندگاری روستاییان در روستای محل زندگی، ترجیح زندگی در روستا به شهر، داشتن املاک در محل، تعصب به روستا و تلاش برای برآورده‌شدن نیازها در روستا منجر شده است. از مهم‌ترین دلایل این امر در منطقه مورد مطالعه، داشتن بستگان نزدیک در مکان، داشتن خاطره و گذران ایام کودکی در روستا، وجود ارزش‌های اجتماعی مانند مزار نزدیکان، تعامل قومی و مذهبی در میان اهالی و غیره است که حس تعلق به محل زیست را افزایش داده است (جدول ۵).

جدول ۳. متغیر، شاخص و معرف‌های پژوهش

متغیر	شاخص	گویه و معرف
مستقل (تعلق مکانی)	دلبستگی عاطفی	دلبستگی به روستای محل زندگی، دلبستگی به اقوام، رضایت از زندگی در روستای خود، راحتی و آسایش بیشتر این مکان از سایر مکان‌ها
	هویت مکانی	ترجیح زندگی در روستا به شهر، ماندگاری در روستای محل زندگی، داشتن املاک در محل، تعصب داشتن به روستا، برآورده‌شدن نیازها در روستا
	پیوند اجتماعی	داشتن بستگان نزدیک در مکان، خاطره داشتن و گذران ایام کودکی، ارزش اجتماعی مانند وجود مزار نزدیکان، تعامل قومی و مذهبی
	شناخت و رفتار	گرایش خانوارهای روستایی به سبک و شیوه زندگی شهری، تمایل به سرمایه‌گذاری در روستا، تمایل به ماندن در این مکان، امیدواری به بهبود شرایط در روستا، بیگانه‌نبودن و داشتن حس و رفتار به مکان
وابسته (بازساخت فضایی-کالبدی)	کیفیت مسکن	تغییر و بهبود مصالح، افزایش سطح زیربنا، افزایش تسهیلات رفاهی مسکن، تغییر الگوی مسکن، افزایش مسکن‌های نوساز، مقاوم‌سازی مسکن
	زیرساخت‌ها	بهبود راه‌های ارتباطی، افزایش میزان دسترسی‌ها، افزایش خدمات رفاهی، مشارکت در امور زیربنایی، دسترسی به تعمیرگاه‌ها مانند تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی
	چشم‌انداز روستا	توسعه فیزیکی روستا، افزایش الگوی معماری جدید، تغییر کاربری اراضی، شکل‌گیری کاربری‌های جدید
	بافت روستا	تغییر بافت سنتی روستا، تغییر ساخت‌وساز در کالبد روستا، توسعه مسکن‌های جدید
	شبکه معابر	سنگ‌فرش کردن معابر، احداث معابر جدید، جدول‌کشی معابر
	محیطی	آلودگی محیط‌زیست، حفاظت از مراتع روستا، حفاظت از منابع آب، حفاظت از منابع خاک، مدیریت زباله و پسماند در روستا، زیبایی و جذابیت محیط روستا

منبع: احمدی و مهدوی، ۱۳۹۳؛ بهرام‌پور و مدبری، ۱۳۹۴؛ شیخی، امینی و نظامی، ۱۳۹۴؛ رضایی، رفیعیان و ارغان، ۱۳۹۵؛

Hinojosa et al., 2016؛ Anton and Lawrence, 2016؛ Zwiers et al., 2016

جدول ۴. توصیف فراوانی جمعیت مورد مطالعه

متغیر	بیشترین فراوانی	تعداد پاسخگو	درصد
سن	۳۰-۳۹	۱۲۹	۳۷/۵
تحصیلات	دیپلم و بالاتر	۱۶۸	۴۸/۸
جنسیت	مرد	۲۹۱	۸۴/۶
تأهل	متأهل	۳۱۴	۹۱/۳
اشتغال	آزاد	۱۷۸	۵۱/۷

منبع: نگارندگان

جدول ۵. بررسی ابعاد تعلق مکانی در میان خانوارهای نمونه با استفاده از آماره t

مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۳						
ابعاد	میانگین	آماره t	معناداری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
					حد پایین	حد بالا
دلبستگی عاطفی	۴/۰۷	۳۳/۸۴۱	۰/۰۰۰	۱/۰۷۳	۱/۰۱	۱/۱۴
هویت مکانی	۳/۷۰	۲۱/۲۰۵	۰/۰۰۰	۷۰۲	۶۴	۷۷
پیوند اجتماعی	۴/۰۶	۳۵/۴۸۲	۰/۰۰۰	۱/۰۵۷	۱/۰۰	۱/۲۴
شناخت و رفتار	۳/۵۸	۱۷/۴۹۲	۰/۰۰۰	۵۷۵	۵۱	۶۴

منبع: نگارندگان

بررسی آثار حس تعلق مکانی بر بازساخت فضایی-کالبدی

برای بررسی رابطه خطی میان تعلق مکانی و بازساخت فضایی-کالبدی، از تحلیل واریانس و آماره فیشر استفاده شد. براین اساس، مقدار ضریب تعیین ۰/۹۰۰ است که نشان می‌دهد متغیر مستقل ۹۰، واحد تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین می‌کند (جدول ۶).

با توجه به سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۱ است، می‌توان گفت فرضیه آزمون مبنی بر معنادار نبودن مدل رگرسیون با اطمینان ۹۹ درصد رد می‌شود؛ بنابراین، مدل رگرسیونی از نظر آماری معنادار است که نشان می‌دهد میان متغیر مستقل (تعلق مکانی) و متغیر وابسته (بازساخت فضایی-کالبدی) انسجام کاملاً معناداری وجود دارد. در این میان، تعلق مکانی ساخت‌وساز روستایی را افزایش می‌دهد؛ به طوری که بیشتر شدن حس تعلق مکانی در میان خانوارهای روستایی در منطقه مورد مطالعه، سبب ماندگاری جمعیت در محل زیست اهالی می‌شود و در نتیجه توجه به فضای کالبدی روستاها را افزایش می‌دهد (جدول ۷).

جدول ۶. تحلیل واریانس عوامل تأثیرگذار بر بازساخت فضایی-کالبدی

ضریب هم‌بستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تصحیح شده	اشتباه معیار
۳۱۷	۰/۹۰۰	۰/۰۹۰	۰/۵۳۴

منبع: نگارندگان

جدول ۷. تحلیل واریانس مبنی بر رابطه خطی ابعاد تعلق مکانی

مؤلفه‌ها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	معناداری
اثر رگرسیونی	۱۰/۷۰۱	۴	۲/۶۷۵	۹/۳۹۸	۰/۰۰۰
باقی مانده	۹۵/۹۳۵	۳۳۷	۲۸۵		
کل	۱۰۶/۶۳۶	۳۴۱			

منبع: نگارندگان

آثار تعلق مکانی در ابعاد پنج‌گانه بازساخت فضایی-کالبدی سکونتگاه‌ها، با استفاده از رگرسیون و مدل تحلیل مسیر بررسی شد. براساس یافته‌ها، مقدار سطح معناداری تمام متغیرها کمتر از ۰/۰۱ است. همچنین مقادیر BETA نشان می‌دهد یک واحد تغییر در انحراف معیار در ابعاد دلبستگی عاطفی، هویت مکانی، پیوند اجتماعی و شناخت و رفتار که به ترتیب ۰/۱۷۹، ۰/۱۵۷، ۰/۱۸۹ و ۰/۱۳۵ واحد هستند، متغیر بازساخت فضایی-کالبدی در روستاهای نمونه را در محدوده

مورد مطالعه تغییر می‌دهد؛ به طوری که کیفیت مسکن روستایی از نظر کاربرد مصالح ساختمانی بادوام و مقاوم، سطح زیربنای واحدهای مسکونی، تسهیلات رفاهی مسکن، مسکن‌های نوساز و مقاوم‌سازی مسکن افزایش می‌یابد و الگوی مسکن در منطقه مورد مطالعه تغییر می‌کند.

تعلق به مکان موجب بهبود راه‌های ارتباطی و خدمات رفاهی، و افزایش میزان دسترسی‌ها می‌شود. آثار ماندگاری جمعیت در مناطق روستایی و تأثیر حس تعلق مکانی بر شاخص‌های چشم‌انداز روستا، بافت روستا و شبکه معابر، نشان‌دهنده شکل‌گیری کاربری‌های جدید، تغییر کاربری اراضی روستا، تغییر بافت سنتی روستا، تغییر در کالبد ساخت‌وساز در روستا، توسعه مسکن‌های جدید، کاهش آلودگی محیط روستا و افزایش حفاظت از منابع آب‌و خاک در منطقه است.

بر اساس یافته‌ها، از میان شاخص‌های تعلق مکانی دو شاخص زیر بیشترین اثر را بر بازساخت فضایی-کالبدی دارد:

۱. پیوند اجتماعی (داشتن بستگان نزدیک در روستا، خاطره‌داشتن و گذران ایام کودکی، ارزش‌های اجتماعی، مانند وجود مزار نزدیکان و تعامل قومی و مذهبی)؛

۲. دلبستگی عاطفی (میزان دلبستگی به روستای محل زندگی، میزان دلبستگی به اقوام، میزان رضایت از زندگی در روستای خود و میزان احساس راحتی و آسایش در این مکان در مقایسه با سایر مکان‌ها).

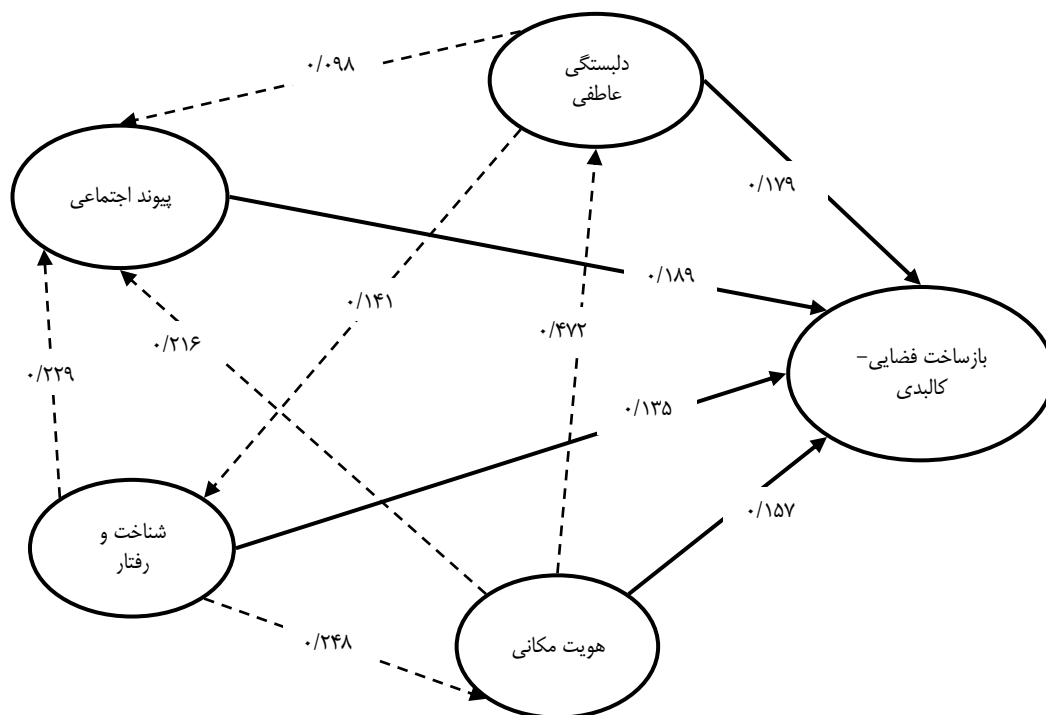
کمترین اثر نیز به شاخص شناخت و رفتار مربوط است؛ بنابراین می‌توان گفت تعلق مکانی اهالی منطقه مورد مطالعه، بر بازساخت فضایی-کالبدی سکونتگاه‌ها تأثیرگذار است.

علاوه بر آنچه بیان شد، بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هریک از ابعاد تعلق مکانی بر بازساخت فضایی-کالبدی سکونتگاه‌ها در سطح روستاهای نمونه با مدل تحلیل مسیر صورت گرفت. در این مدل، ابعاد چهارگانه تعلق مکانی (دلبستگی عاطفی، هویت مکانی، پیوند اجتماعی و شناخت و رفتار) به عنوان متغیرهای مستقل و بازساخت فضایی-کالبدی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. بر اساس یافته‌های این مدل، ابعاد فوق بر بازساخت فضایی-کالبدی در روستاهای منطقه تأثیر مثبت دارند؛ به طوری که وجود این ابعاد در میان خانوارها و افزایش ماندگاری خانوارها در روستای محل زندگی خود سبب ساخت‌وساز، تغییر و افزایش کیفیت محیط زندگی شده است. در نتیجه، کیفیت مسکن، زیرساخت‌های روستایی، چشم‌انداز و شبکه معابر و بافت روستا تغییر کرده است. در شکل ۳، میزان و نوع تأثیر (مستقیم و غیرمستقیم) هریک از متغیرهای مستقل بر وابسته آمده است.

جدول ۸. ضرایب شدت روابط میان مؤلفه‌ها با میزان بازساخت فضایی-کالبدی

معناداری	T	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	متغیرها
		B	خطای استاندارد	BETA	
۰/۰۰۰	۷/۵۹۸	۲/۰۰۰	۲۶۳	-	عرض از مبدأ
۰/۰۵	۲/۸۰۲	۰/۱۷۰	۰/۰۶۱	۰/۱۷۹	دلبستگی عاطفی
۰/۰۲۱	۲/۳۲۶	۰/۱۴۳	۰/۰۶۲	۰/۱۵۷	هویت مکانی
۰/۰۱	۳/۲۸۵	۰/۱۹۱	۰/۰۵۸	۰/۱۸۹	پیوند اجتماعی
۰/۰۲۷	۲/۲۲۰	۰/۱۲۴	۰/۰۵۶	۰/۱۳۵	شناخت و رفتار

منبع: نگارندگان



شکل ۳. مدل تحلیل مسیر عوامل و متغیرهای تأثیرگذار تعلق مکانی بر ابعاد بازساخت فضایی-کالبدی

در نهایت می‌توان گفت تعلق خاطر هر شخص به زادگاه و محل زندگی خود، عامل مهمی در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط زندگی است که به شکل‌گیری محیط‌های باکیفیت در مناطق روستایی منجر خواهد شد. با این حس می‌توان زمینه مساعدی برای خلق دموکراسی مشارکتی فراهم کرد. همچنین می‌توان اجرای برنامه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی را در اجتماع محلی به توفیق چشمگیری رساند و کیفیت زندگی را بهبود بخشید. این امر سبب افزایش فرصت‌های کسب درآمد، توسعه تأسیسات زیرساختی و... در روستاها می‌شود. همچنین این انگیزه را در افراد محلی ایجاد می‌کند که به احیای همه‌جانبه محیط‌های خانگی و محلی بپردازند. نقش تعلق خاطر در میان خانوارهای منطقه مورد مطالعه، سبب به‌کارگیری سرمایه‌های فکری و مالی افراد برای پیشرفت محیط زندگی‌شان می‌شود؛ از این رو می‌توان کیفیت مسکن، اصلاح زیرساخت‌ها، چشم‌انداز روستا، اصلاح بافت روستا و شبکه معابر را در نواحی روستایی تغییر داد و فضای سکونتگاه‌های روستایی را دگرگون کرد. بدین ترتیب، حس تعلق به مکان می‌تواند تأثیرات چشمگیری در بازساخت فضایی-کالبدی سکونتگاه‌های روستایی داشته باشد.

یکی از مسائل و مشکلات روستاهای منطقه مورد مطالعه، نابسامانی وضع کالبدی و کیفیت نامناسب مسکن در روستاهاست، اما در مواردی خانوارهایی که تعلق خاطر بیشتری به محل زندگی خود دارند، با ساخت‌وسازهای خود، فضای کالبدی-محیطی روستا را تغییر داده‌اند.

نتیجه‌گیری

بافت قدیمی روستاها متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری گذشته است و در شرایط کنونی آسیب‌پذیری زیادی دارد. در حال حاضر، این امر به یکی از عوامل نابسامانی وضع کالبدی و کیفیت نامناسب مسکن در روستاهای منطقه تبدیل شده است. در برخی موارد، خانوارهایی که تعلق خاطر بیشتری به محل زندگی خود داشته‌اند، با ساخت‌وسازهایی در این منطقه، فضای کالبدی-محیطی روستا را تغییر داده‌اند؛ بنابراین، در این مطالعه به بررسی و

ارزیابی تأثیرگذاری حس تعلق به مکان در بازساخت فضایی-کالبدی در سکونتگاه‌های روستاهای دهستان نه پرداخته شد. نتایج پژوهش دربارهٔ سنجش و بررسی میزان حس تعلق به مکان در ابعاد مختلف تعلق مکانی و بازساخت کالبدی سکونتگاه‌ها در روستاهای این دهستان، نشان‌دهندهٔ تعلق مکانی زیاد در تمام شاخص‌های مورد نظر پژوهش است. براساس یافته‌های پژوهش، سطح دل‌بستگی عاطفی با میانگین $4/07$ از سایر ابعاد بیشتر است. بررسی رابطهٔ میان تعلق مکانی و بازساخت فضایی-کالبدی با توجه به ضریب تعیین $0/900$ نشان می‌دهد رابطهٔ خطی و معناداری میان متغیر مستقل و متغیر وابسته وجود دارد. این امر تأثیر تعلق مکانی را بر بازساخت فضایی-کالبدی در منطقهٔ مورد مطالعه نشان می‌دهد. همچنین بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم تعلق مکانی بر ابعاد کیفیت مسکن، زیرساخت‌ها، چشم‌انداز روستا، بافت روستا و شبکهٔ معابر بازساخت کالبدی سکونتگاه‌ها در سطح روستاهای نمونه نشان می‌دهد بیشترین اثر به بعد دل‌بستگی عاطفی مربوط است. شناخت و رفتار نیز با کمترین اثر بازساخت فضایی-کالبدی در محدودهٔ مورد مطالعه همراه است. درنهایت می‌توان گفت تعلق مکانی در میان خانوارهای روستایی در منطقهٔ مورد مطالعه، سبب ماندگاری جمعیت در نواحی روستایی می‌شود؛ از این رو افراد به احیای همه‌جانبهٔ محیط‌های خانگی و محلی در این مناطق می‌پردازند.

ضروری است برای افزایش حس تعلق مکانی و ماندگاری جمعیت در روستاهای منطقهٔ مورد مطالعه و در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی، به تحکیم و افزایش تعلق به مکان در روستا توجه کافی شود. برای این منظور می‌توان به گسترش فرصت‌های شغلی، توسعهٔ کارآفرینی، تقویت روحیه و انگیزه در مناطق روستایی منطقه پرداخت. در این میان، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت بر این مسئله تأثیرگذار است؛ از این رو مدیران دولتی می‌توانند با حمایت از تولیدکنندگان روستایی، تضمین خرید محصولات کشاورزی، ایجاد بازارهای فروش محصولات روستایی و... نقشی فعال در این زمینه داشته باشند. همچنین می‌توانند حس تعلق مکانی را میان خانوارهای روستایی گسترش دهند. عوامل گسترش حس تعلق مکانی عبارت‌اند از: افزایش کیفیت خدمات‌رسانی و فضاهای عمومی در روستاها، تدابیر فرهنگی برای نکوداشت و حفظ نخبگان روستایی به‌عنوان سرمایهٔ انسانی، خلق مکان‌هایی برای گردهمایی روستاییان و برگزاری مراسم‌های خاص، برپایی نمایشگاه‌ها، مسابقات و گردهمایی‌های علمی، و استفاده از عوامل طبیعی در فضاهای واسط در راستای ارتقای کیفیت فضای روستایی که به ارتقا در همهٔ زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود. در نتیجهٔ این امر، کیفیت محیط فضایی-کالبدی در سکونتگاه‌های روستایی افزایش می‌یابد. امید است پژوهش حاضر، در افزایش حس تعلق مکانی در میان خانوارهای روستایی، توسعهٔ بیشتر روستاها و بازساخت فضایی-کالبدی در روستاهای کشور کاربرد داشته باشد.

باید توجه داشت که بسیاری از پژوهشگران داخلی و خارجی، پیامدهای تعلق مکانی و تأثیرات آن را مطالعه و بررسی کرده‌اند. با این حال، موضوعی که تاکنون مدنظر قرار نگرفته است و تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های پیشین را نشان می‌دهد، ارزیابی تأثیرات حس تعلق مکانی بر بازساخت فضایی-کالبدی سکونتگاه‌های روستایی است؛ بنابراین، در این پژوهش به بررسی این امر پرداخته شد. با توجه به اینکه تعلق به مکان سبب دل‌بستگی و بهبود کیفیت زندگی ساکنان می‌شود، ضروری است متصدیان و برنامه‌ریزان فرایند توسعهٔ مناطق روستایی و مسئولان، به اهمیت، نقش و جایگاه تعلق به مکان در زندگی خانوارهای روستایی، به‌ویژه در بازساخت فضایی-کالبدی این مناطق توجه کافی داشته باشند.

منابع

۱. احمدی، علی و مسعود مهدوی، ۱۳۹۳، رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی در روستاهای درحال توسعه؛ مطالعه موردی شهرستان زرندیه، پژوهش‌های روستایی، دوره پنجم، شماره ۴، صص ۸۲۷-۸۴۸.
۲. افشارنادری، کامران، ۱۳۷۸، از کاربری تا مکان، معمار، سال اول، شماره ششم، صص ۴-۶.
۳. امیرکافی، مهدی و شکوفه فتحی، ۱۳۹۰، بررسی عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به محله مسکونی (مطالعه موردی: شهر کرمان)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۱، صص ۵-۴۱.
۴. بهرام‌پور، عطیه و آتوسا مدیری، ۱۳۹۴، مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آن‌ها در مجتمع مسکونی بلندمرتبه شهرک کوثر تهران، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره بیستم، شماره ۳، صص ۸۵-۹۴.
۵. جوان فروزنده، علی و قاسم مطلبی، ۱۳۹۰، مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، نشریه هویت شهر، دوره پنجم، شماره ۸، صص ۲۷-۳۷.
۶. حیدری، علی‌اکبر، مطلبی، قاسم و فروغ نگین‌تاجی، ۱۳۹۳، تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره نوزدهم، شماره ۳، صص ۷۵-۸۶.
۷. رضوانی، محمدرضا، ۱۳۹۰، برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس، تهران.
۸. رهنما، محمدرحیم و محمدمحسن رضوی، ۱۳۹۱، بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره هفدهم، شماره ۲، صص ۲۹-۳۶.
۹. سرمست، بهرام و محمدمهدی متوسلی، ۱۳۸۹، بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران)، مجله مدیریت شهری، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۱۳۳-۱۴۶.
۱۰. شایان، حمید، بوذرجمهری، خدیجه و محمودرضا میرلطفی، ۱۳۸۹، بررسی نقش کشاورزی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: بخش میانکنگی سیستان)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال دوازدهم، شماره ۱۵، صص ۱۵۱-۱۷۱.
۱۱. شکویی، حسین، ۱۳۸۶، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
۱۲. صافیان، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۰، بررسی پدیدارشناختی-هرمنوتیک نسبت مکان با هنر معماری، نشریه پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، دوره پنجم، شماره ۸، صص ۹۳-۱۲۹.
۱۳. عنابستانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۸، بررسی آثار کالبدی خانه‌های دوم بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی: مطالعه موردی روستاهای بیلاقی شهر مشهد، فصلنامه روستا و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴، صص ۱۴۹-۱۶۶.
۱۴. فرهاد، حمزه، ۱۳۸۸، از رفتارگرایی تا جغرافیای رفتاری، فصلنامه جغرافیا، دوره سوم، شماره ۸ و ۹، صص ۷۱-۹۷.
۱۵. فلاحت، محمدمصدق، ۱۳۸۵، مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، دوره اول، شماره ۲۶، صص ۵۷-۶۶.
۱۶. گلکار، کوروش، ۱۳۸۰، مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه علمی-پژوهشی صفا، سال سی و دوم، شماره ۳، صص ۳۸-۶۵.
۱۷. گل‌محمدی، احمد، ۱۳۸۱، جهانی‌شدن فرهنگ و هویت، نشر نی، تهران.
۱۸. میرمقتدایی، مهتا، ۱۳۸۳، معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، نشریه هنرهای زیبا، سال یازدهم، شماره ۱۹، صص ۲۹-۳۸.
۱۹. وودز، مایکل، ۱۳۹۰، جغرافیای روستایی (فراوندها، واکنش‌ها و تجربه‌های بازساخت روستایی)، ترجمه محمدرضا رضوانی و صامت فرهادی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

20. Afshar-Naderi, K., 1999, **The User Has the Location**, Architect, Vol. 1, No. 6, PP. 4-6. *(In Persian)*
21. Ahmad, A., and Mahdavi, M., 2014, **The Relationship Between Quality of Life and Sense of Place in Rural Areas of The Developing Case Study Zarandieh City**, Rural Research, Vol. 5, No. 4, PP. 827-848. *(In Persian)*
22. AmirKafi, M., and Fathi, Sh., 2011, **The Factors Affecting the Attachment to a Neighborhood (Case Study: Kerman City)**, Journal Of Social Studies, Vol. 5, No 1, PP. 5-41. *(In Persian)*
23. Anabestani, A. A., 2009, **Physical Impacts of Second Homes on the Development of Rural Settlements: Case Study of Villages Resort City of Mashhad**, Journal of Rural Development, Vol. 12, No. 4, PP. 149-166. *(In Persian)*
24. Bahrampoor, A., and Modiri, A., 2015, **To Study the Relationship Between the Environment and the Sense of Satisfaction of Residents in High-Rise Residential Complex in the Town of Kowsar Tehran**, Journal of Fine Arts Architecture, Vol. 20, No. 3, PP. 85-94. *(In Persian)*
25. Falahat, M. S., 2006, **Which Reflect the Sense of Place and form Factors**, Journal of Fine Arts, Vol. 1, No. 26, PP. 57-66. *(In Persian)*
26. Farhad, H., 2009, **From Behaviorism and Behavioral Geography**, Journal of Geology, Vol. 3, No. 8/9, PP. 71-97. *(In Persian)*
27. Golkar, K., 2001, **Elements of Quality Urban Design**, Journal of the Account, Vol. 32, No. 3, PP. 38-65. *(In Persian)*
28. Gol-Mohammadi, A., 2002, **The Globalization of Culture and Identity**, Ney Publication, Tehran. *(In Persian)*
29. Heydari, A. A., Matlabi, Gh., and Negin-Taji, F., 2014, **Analyzes the Physical Sense of Place in Traditional Houses and Modern Residential Complexes**, Journal of Fine Arts- Architecture and Urbanism, Vol. 19, No. 3, PP. 75-86. *(In Persian)*
30. Javan Foroozandeh, A., and Matlabi, Gh., 2011, **The Sense of Place and Its Components**, Journal Identity of the City, Vol. 5, No. 8, PP. 27-37. *(In Persian)*
31. MirMoghtadaei, M., 2004, **The Criteria to Determine the Physical Identity of Cities**, of Fine Arts Journal, Vol. 11, No. 19, PP. 29-38. *(In Persian)*
32. Rahnama, M. R., and Razavi, M. M., 2012, **The Effect of Social Capital's Sense of Belonging and Participation in the City of Mashhad**, Journal of Fine Arts - Architecture and Urbanism, Vol. 17, No. 2, PP. 29-36. *(In Persian)*
33. Rezvani. M. R., 2011, **Rural Development Planning in Iran**, Publishing Ghomes, Tehran. *(In Persian)*
34. Safian, M. J. et al., 2011, **To Investigate the Cognitive Hermeneutic Phenomenology of Place and Architecture**, Journal of Tabriz University Philosophical Research, Vol. 5, No. 8, PP. 93-129. *(In Persian)*
35. Sarmast, B., and Motavaseli, M., 2010, **An Analysis of the Role of Inventory in the Sense of Place (Case Study: Tehran)**, Journal of Urban Management, Vol. 8, No. 26, PP. 133-146. *(In Persian)*
36. Shakuie, H., 2007, **New Ideas in Philosophy, Geography**, Gitashenasi Publications, Tehran. *(In Persian)*
37. Shayan, H., Bouzarjomehri, Kh., and MirLotfi, M. R., 2010, **The Role of Agriculture in Rural Development (Case Study: Sistan Miankangi)**, Journal of Geography and Regional Development, Vol. 12, No. 15, PP. 151-171. *(In Persian)*
38. Woods M., 2010, **Rural Geography (Processes, Reactions and Experiences of Rural Restructuring)**, Translated by Mohammad Reza Rezvani and Samet Farhadi, Tehran University Publications, Tehran. *(In Persian)*
39. Anton, Ch. E., and Lawrence. L., 2016, **The Relationship Between Place Attachment, the Theory of Planned Behaviour and Residents' Response to Place Change**, Journal of Environmental

- Psychology, Vol. 47, No. 3, PP. 145- 154.
40. Campbell, R. B., 2011, **A Sense of Place: Examining Music-Based Tourism and Its Implications in Destination Venue Placement**, Unlv Theses/ Dissertations/ Professional Papers/ Capstones, P. 1142.
 41. Canter, D., 1971, **The Psychology of Place**, The Architectural Press, London.
 42. Elle Li, T., and Mckercher, B., 2015, **Effects of Place Attachment on Home Return Travel: A Spatial Perspective**, An International Journal of Tourism Space, Place and Environment, Vol. 18, No. 4, PP. 359-376.
 43. Figueroa, E., and Rotarou, E. S., 2016, **Sustainable Development or Eco-Collapse: Lessons for Tourism and Development from Easter Island**, Vol. 8, No. 11, PP. 1- 26.
 44. Fitri-Amir, A. et al., 2015, **Sustainable Tourism Development: A Study on Community Resilience for Rural Tourism in Malaysia**, Social and Behavioral Sciences, Vol. 168, No. 3 PP. 116-122.
 45. Gross, M. d., and Brown. G., 2008, **An Empirical Structural Model of Tourists and Places: Progressing Involvement and Place Attachment Into Tourism**. Tourism Management, Vol. 29, No. 6, PP. 1141-1151.
 46. Gustafson, P., 2001, **Meaning of Place: Every Day Experience and Theoretical Conceptualization**, Journal of Environmental Psychology, Vol. 21, No. 4, PP. 5-16.
 47. Hernandez, B. et al., 2010, **The Role of Place Identity and Place Attachment in Breaking Environmental Protection Laws**, Journal of Environmental Psychology, Vol. 30, No. 2, PP. 281–288.
 48. Hinojosa, L. et al., 2016, **Place Attachment as a Factor of Mountain Farming Permanence: A Survey in the French Southern Alps**, Ecological Economics, Vol. 130, No. 1, PP. 308–315.
 49. Isserman, A. M., Feser. E., and Warren, D. E., 2009, **Why Some Rural Places Prosper and Others Do Not**, International Regional Science Review, Vol. 32, No. 3, PP. 300- 342.
 50. Jun, H., and Xiang, H., 2011, **Development of Circular Economy Is a Fundamental way to Achieve Agriculture Sustainable Development In China**, Published by Elsevier Ltd, Selection and Peer-Review Under Responsibility of RIUDS, Energy Procedia, Vol. 5, No. 6, PP. 1530–1534.
 51. Kifle, S. et al., 2016, **Factors Influencing Farmers Decision on the Use of Introduced Soil and Water Conservation Practices in the Lowland's of Wenago Woreda, Gedeo Zone, Ethiopia**, American Journal of Rural Development, Vol. 4, No. 1, PP. 24-30.
 52. Lee, T. H., and Shen, Y. L., 2013, **The Influence of Leisure Involvement and Place Attachment on Destination Loyalty: Evidence from Recreationists Walking Their Dogs in Urban Parks**, Journal of Environmental Psychology, Vol. 33, No. 3, PP. 76- 85.
 53. Madgin, R., Bradley, L., and Annette H., 2016, **Connecting Physical and Social Dimensions of Place Attachment: What Can We Learn from Attachment to Urban Recreational Spaces?**, Journal of Housing and the Built Environment, Vol. 31, No. 4, PP. 677-693.
 54. Meijerink, G., and Roza, P., 2007, **The Role of Agriculture in Development: Focusing on Linkages Beyond Agriculture Strategy and Policy**, PP. 238.
 55. Morse, Ch., and Mudgett, J., 2017, **Longing for Landscape: Homesickness and Place Attachment Among Rural Out-Migrants in the 19th and 21st Centuries**, Journal of Rural Studies, Vol. 50, No. 3, PP. 95-103.
 56. Payton, M., and Angela P., 2003, **Influence of Place Attachment and Social Capital on Civic Action: A Study at Sherburne National Wildlife Refuge**, Master's Thesis of Natural Resources Science and Management Program, University of Minnesota.
 57. Peng, L. et al., 2017, **Interaction Between Risk Perception and Sense of Place in Disaster-Prone Mountain Areas: A Case Study in China's Three Gorges Reservoir Area**, Natural Hazards, Vol. 85, No. 2, PP. 777-792.
 58. Ramkinsoon, H., Weiler, B., and Smith, G., 2012, **Place Attachment and Proenvironmental**

- Behavior in National Parks: The Development of a Conceptual Framework**, Journal of Sustainable Tourism, Vol. 20, No. 2, PP. 257-276.
59. Relph, E., 1976, **Place and Placelessness**, Pion, London, **The Making of Place**, Research on Place and Space Website, 20 Feb. 2003, 12 Mar.
60. Seamon, D., and Jacob, S., 2008, **Place and Placelessness**, Edward Relf, London: Sage.
61. Trell, E. et al., 2012, **It's Good to Live in Järva-Jaani but We Can't Stay Here: Youth and Belonging in Rural Estonia**, Journal of Rural Studies, Vol. 28, No. 1, PP. 139-148.
62. Tsai, S. P., 2012, **Place Attachment and Tourism Marketing: Investigating International Tourists in Singapore**, International Journal of Tourism Research, Vol. 14, No. 2, PP. 139-152.
63. Visser, O., and Spoor, M., 2011, **Land Grabbing in Post- Soviet Eurasia: The World's Largest Agricultural Land Reserves At Stake**, The Journal of Peasant Studies, Vol. 38, No. 2, PP. 299-323.
64. Yuksel, A., Yuksel, F., and Bilim, Y., 2010, **Destination Attachment: Effects on Customer Satisfaction and Cognitive, Affective and Conative Loyalty**, Tourism Management, Vol. 31, No. 2, PP. 274-284.
65. Zwiers, S., Markantoni, M., and Dirk S., 2016, **The Role of Change- and Stability-Oriented Place Attachment in Rural Community Resilience: A Case Study in South-West Scotland**, Community Development Journal, Vol. 51, No. 4, PP. 2-20.